

بررسی تحلیلی نسل سوم و چهارم حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۰۳)

علیرضا مظاهری^۱

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد ایران

دکتر محمدرضا گنجی

دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

چکیده

نسل های سه گانه ی حقوق بشر هر کدام شامل حقوقی می باشد که احترام و تضمین آنها فراتر از حوزه های داخلی کشورها، در سطح منطقه ای و بین المللی مورد تأکید قرار دارد. در شرایطی که طرح طبقه بندی نسل های حقوق بشر مورد انتقاد جدی قرار گرفته، تا جایی که با تردید به نسل سوم حقوق بشر نگاه می شود، سخن از نسل چهارم و حتی نسل پنجم حقوق بشر به میان آمده است. شناسایی حقوق بشر و جنبه های مختلف آن در قانون اساسی از این جهت حائز اهمیت است که ایران جزو کشورهای در حال توسعه بوده و حقوق همبستگی ماهیتاً حقوقی هستند که هدف آن اعتلای جوامع و کشورهای در حال توسعه در محیط بین المللی است و با ساخت رژیم حقوقی بر اعمال آنان، می توان به تضمین آنها قوت و قدرت بخشید. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای به بررسی حق ها در نسل سوم حقوق بشر و مبانی آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین جایگاه نسل چهارم حقوق بشر در قانون اساسی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است در قانون اساسی جمهوری اسلامی بسیاری از ویژگی های ماهوی نسل سوم حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل شناسایی است و جایگاه ویژه ای برای حقوق بشر در قانون اساسی در نظر گرفته شده است. همچنین حفظ حیثیت و کرامت انسانی، لزوم پابندی به ارزش ها و حقوق طبیعی انسان، اساس و پایه حقوق بیوتکنولوژی پزشکی را تشکیل می دهند و قانون اساسی، توجه به اصل کرامت انسانی را به عنوان یکی از اصول مهم حقوق بشری، پذیرفته است.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، نسل سوم، نسل چهارم، حقوق بشر، حقوق همبستگی

^۱ نویسنده مسئول



۱- بیان مساله

حقوق بشر به معنای امتیازات کلی می باشد که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است. دولت ها به طرق مختلف از جمله قانون گذاری و پیش بینی مکانیزم اجرایی مؤثر، به تضمین این حق ها برای افراد متعهد هستند به همین دلیل است که ادبیات حاکم بر اسناد بین المللی حقوق بشر در رابطه با دولت ها، ادبیاتی تعهدمدار و نسبت به افراد، ادبیاتی حق محور است. در دین اسلام حق ثابت و همیشگی خداوند است و اوست که انسان را به عنوان اشرف مخلوقات تعیین نموده و برخوردار از کرامات و صاحب حقوق لازمه ی شأن انسانی می داند. نظام جمهوری اسلامی نیز با تأسی از دین اسلام درصدد شناسایی و تضمین انواع حقوق بشر برآمده است (حسینی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۳: ۴).

امروزه حقوق بشر یکی از مسائل اساسی برای همه دولت ها است. اهمیت این مسأله تا آنجا است که مشروعیت و مقبولیت دولت ها بستگی به چگونگی حمایت از این حقوق دارد. در این ارتباط باید گفت که اگرچه ویژگی های ماهوی تعهدات حقوق بشری در میثاقین (نسل اول و دوم) و نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، آن ها را به تکالیفی سست بدل می سازد، با ساخت رژیم حقوقی محکم بر اعمال آنها، می توان به تضمین آنها قوت و قدرت بخشید (نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۸۵). ایجاد سازوکارهای قانونی و حقوقی در هر کشور بر مبنای ظرفیت های قانون گذاری در آن کشور و جامعه صورت می گیرد و در هر نظام قانون گذاری دموکراتیکی امکان توسعه و بروزرسانی مداوم قوانین و بهبود آنها وجود دارد و این امکان به دلیل پویایی قوانین در کشورهای دموکراتیک می باشد.

نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) یا جمعی بر پایه ی همبستگی و مشارکت جمعی بنا شده است و بر اموری تکیه دارد که باید در آن ها اقدام جمعی صورت پذیرد و هیچ کشوری به تنهایی نمی تواند این حقوق (حق بر توسعه، حق بر میراث مشترک بشریت، حق بر محیط زیست سالم، حق بر ارتباطات، حق مشترک مردم بر تعیین سرنوشت خود، حق برابری نسل ها و حق بر کمک های بشردوستانه) را به منصفه ظهور برساند، تاکنون کنوانسیون ها و اسناد بسیاری در زمینه مصادیق این نسل از حقوق بشر تدوین شده است.

نسل چهارم حقوق بشر که در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی پدیدار شده، به طور اختصار مجموعه حقوقی است که هدف آن دفاع و حمایت از کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده های علمی است. با توسعه روزافزون زیست فناوری در علوم پزشکی و سکوت و اجمال و تعارض و نقص قوانین موجود در پاسخگویی



به مشکلات مطرح در این حوزه و لزوم دفاع و حمایت از حیثیت و کرامت انسان در مقابل سوءاستفاده های علمی و صیانت از حقوق بشر، لزوم دخالت دولت و قانونمندی فعالیت های این حوزه و بروزآوری قوانین و مداخله در ساماندهی و حراست از ارزش های والای انسانی در مقابل سوءاستفاده های علمی، محرز است.

تأثیرات زیست فناوری های نوین به خصوص در زمینه پزشکی در شئون زندگی بشر، بر کسی پوشیده نیست. پیشرفت در زیست شناسی پزشکی و علم ژنتیک در عین اینکه ابزاری جهت خدمت رسانی به بشر است، ممکن است مورد سوءاستفاده های احتمالی واقع گردد و دارای پیامدهای نامطلوبی برای تمامیت شأن و منزلت و حقوق انسانی باشد. کرامت انسانی، اساسی ترین پایه گذار حقوق بشر است. لذا در پرتو سرعت توسعه و پیشرفت فناوری زیستی و تأثیرات آن در تمامی ابعاد حیات بشر، احترام به اصل کرامت انسان و حقوق بشر به یک ضرورت تبدیل شده و همگام با جامعه جهانی، کشور ایران نیز نمی توان نسبت به مسائل روز بی اعتنا باشد؛ و هم راستا با رشد بیوتکنولوژی پزشکی لزوم توسعه تحقیق در زمینه حقوق مربوطه به شدت لزوم توسعه تحقیق در زمینه حقوق مربوطه احساس می گردد. با توجه به نواقص و کاستی های موجود، در حوزه معضلات بیوتکنولوژی در سطح ملی مستلزم شناسایی قانون گذاری تضمین و هدایت و ارائه راهکارهایی جهت برون رفت از مشکلات این حوزه خواهیم بود. به همین دلیل توجه به وضعیت حقوق فناوری های جدید به ویژه حقوق بیوتکنولوژی پزشکی در ایران بیش از پیش اهمیت می یابد. حقوقی که باید از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوءاستفاده از علم دفاع نماید. لذا باید در این حوزه اقداماتی اساسی صورت گیرد و بررسی این نسل از حقوق (حقوق بشر و بیوتکنولوژی) مورد اهتمام قرار گیرد.

وظیفه علم حقوق حراست از پایه های تمدن و اصول حقوقی مورد احترام است. حقوق دست قدرت را در تجاوز به حریم انسان و حقوق و آزادی های او باز نمی گذارد. هدف از قواعد حقوق حمایت از منافع جامعه است که از طریق ایجاد امنیت و آسایش و نظم عمومی در جامعه تجلی می یابد و با پیشرفت علوم و تکنولوژی به خصوص علوم پزشکی و به مخاطره افتادن کرامت انسانی از یک سو و نظم و امنیت جامعه از سوی دیگر ایجاب می کند که حقوق تدابیر لازم را در این زمینه اتخاذ نماید و به صیانت از حقوق انسان ها بپردازد. علی رغم اصول مطرح در قانون اساسی که بر حفظ کرامت انسانی تأکید می ورزد در جزئیات امور قوانین داخلی کشور ما پا به پای توسعه علمی جهانی رشد نیافته است.

در همین راستا در مقاله حاضر سعی بر آن است تا با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی و نسل سوم و



چهارم حقوق بشر، به این سوالات پاسخ داده شود؛ الف) آیا در قانون اساسی، مبانی، محتوا و مضمون حقوقی نسل سوم حقوق بشر به درستی تعریف و تبیین شده است؟ ب) نسل چهارم حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از چه جایگاهی برخوردار است؟

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر عبارت است از اختیار، سلطه، امتیاز و توانایی که انسان از آن برخوردار است. با این تعریف حقوق بشر دارای ویژگی هایی است از جمله؛ از سنخ امتیاز برای دارنده ی حق است، تعلق حق به شخص با توان و اختیار وی تلازم دارد و در آخر اینکه حق بشری امتیاز حمایت شده است. در مجموع می توان گفت حقوق بشر معاصر دربردارنده ی حقوق افراد در مقابل دولت است و کارکرد اصلی آن تحدید قدرت دولت در برابر افراد است. بدین ترتیب، دولت ها متعهدند حقوق بشر را برای افراد تضمین نمایند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۳۱).

۲-۲- تعریف نسل سوم حقوق بشر

به وجود آمدن نسل سوم حقوق بشر مولود نیازهای جدید بشری بود. روند رو به گسترش انسانی، بین المللی، اجتماعی و اخلاقی شدن حقوق بین الملل و حقوق بشر و نیز کاستی های نسل های اول و دوم موجب ظهور نسل سوم حقوق بشر شد. حقوق نسل سوم یا حقوق همبستگی از فرد انسانی سخن نمی گوید؛ بلکه بر شهروند جهانی تأکید دارد (جلیوند، ۱۳۹۴).

۲-۳- تعریف نسل چهارم حقوق بشر

نسل چهارم حقوق بشر همان اصول اساسی مشترک بشردوستانه یعنی آزادی، حفظ برابری، حیثیت و کرامت انسان به ما هو انسان جدای از رنگ پوست، زبان، دین، ثروتمند بودن یا فقیر بودن و سایر عوامل تبعیض آمیز انسانی در مقابل علوم، تکنولوژی و فناوری جدید می باشد. با وجود اینکه دستاوردهای علمی و فناوری های جدید کمک شایانی به رشد و توسعه بشر نموده است و باعث شده انسان از بسیاری از بیماری ها در امان باشد، در همین راستا داروهایی در جهت بقا و بهبود حیات بشر کشف شده است. در حالی که در گذشته با محدودیت علوم و دستاوردهای بشری، انسان های بسیاری به کام مرگ فرو می رفتند و توسعه علوم بشری و فناوری های جدید در جهت زندگی بهتر و مرفه تر گام برداشته اند اما این امر همیشه در جهت مثبت



نبوده و برخی از انسان‌ها از علوم جدید آسیب دیده و مورد سوءاستفاده علوم و فناوری های جدید قرار گرفته اند.

در این دسته بندی از حقوق بشر که «حقوق مربوط به علم ژنتیک» نام دارد، حقوقی است که مورد بحث دکتین حقوق است که راجع به شناسایی و یا منع یک سری از فعالیت های خاص است. در یک طبقه بندی جدید، حقوقی تحت عنوان حقوق ناشی از اکتشاف و بهره برداری های مربوط به عالم هستی انسان در آن قرار دارد. می توان در یک طبقه بندی مشابه که «حقوق نسل های آینده» نام دارد قرار داد. به درستی از حقوقی نام برد که متعلق به بشریت به طور عام می باشد. حقوق بشریت در واقع دارایی مشترکی است که با همه افراد بشریت به نحو یکسان عمل می کند. بنابراین این طبقه بندی از نسل های حقوق بشر ناشی از اکتشافات و بهره‌وری های هستی را شامل گردد. در یک روش سنتی، این امر مفروض است که حقوق ناشی از علم ژنتیک می‌تواند به عنوان آخرین نسل از حقوق دسته بندی شود، اما چهارمین نسل در خودش در وجود خود، مورد مناقشه می باشد. بدین منظور، حقوق شناخته شده ای وجود دارند که پابرجایی حقوق فردی و عدم دسترسی به بدن انسان را در شرایط پیشرفت علم پزشکی ژنتیک، اطمینان می دهد (وسیل^۱، ۲۰۰۹: ۸). بنابراین نسل جدید کمک می کند تا موجودیت و حیات انسان در مقابل جنبه منفی علوم و فناوری جدید حفظ شود. در نتیجه نسل چهارم حقوق بشر، نسل نوپایی است؛ از کرامت و حیثیت انسان در مقابل سوءاستفاده های علمی، آزمون های بشردوستانه علمی و اعمال غیراخلاقی تکنولوژی جدید محافظت می کند.

۳- ضرورت نسل چهارم حقوق بشر

انسان به طور ذاتی تا در جستجوی امری نباشد، آن را نمی یابد، ضرورت وجود نسل جدید هم بدین سبب بود که انسان در هیاهوی دستاوردهای جدید علمی، پیشرفت های سریع السیر علوم، نیازمند یک چهارچوب بندی جدید برای استفاده درست، به جا و اخلاقی از آن بوده است. بدین سبب در جستجوی قوانین و چهارچوب بندی هایی برآمد که کشورها را متعهد به پاسداری از برابری، آزادی، حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوءاستفاده های علمی سازد حقوق بشر، موضوعی میان رشته ای شناخته می شود که با برخی علوم چون سیاست و جامعه شناسی ارتباط وثیقی دارد و تورم حقوق بشر موجب شده است که در حوزه های

^۱ Vasile



مختلف علوم، با این حقوق نیز برخورد کنیم. امروزه در نسل بندی های حقوق بشر هنوز نسل سوم برای کشورهای جهان سوم به طور دقیق شناخته نشده است که برخی ظهور نسل چهارمی را خبر دادند که دستاوردهای علم ژنتیک و پزشکی قانونی را شامل می شود. مانند: حق شبیه سازی انسان، حق تغییر جنسیت، حق سقط جنین، حق پیوند اعضا، حق بر مرگ مغزی یا حق لقاح مصنوعی دستاورد سه نسل از حقوق بشری تنها تلاش برای ایجاد حقوق در پرتو تکثیر حقوق نمی باشد. برخی حقوق دیگر نیز بر حسب ضرورت ممکن است ایجاد شود و برخی نرم ها و استانداردهایی را در عرصه بین المللی بین کشورها لازم الاجرا نماید برای مثال منع نسل کشی، منع برده داری و منع تبعیض نژادی، برخی از حقوق های بشری به هیچ وجه نمی توانند مبنای معافیت و محدودیت قرار بگیرند، برای مثال منع تروریست و یا اجبار حداقلی بر روی اعمال برخی حقوق باید مورد شناسایی واقع شود، برای مثال تدارک برای مراقبت های بهداشتی اولیه و یا تحصیلات ابتدایی. هیچ اجماع و تئوری واحدی بر روی این امر که برخی حقوق باید تقویت و به طور جهانی مورد تاکید واقع شود وجود ندارد. بدون توجه به پدیده تکثیر حقوق، در هر حال، پیشرفت علم گاهی اوقات نیاز بر اعمال نرم های حقوق بشری را مورد هدف قرار می دهد و به چالش می کشاند در واقع ناحیه دیگری که حقوق جدید در آن شناخته می شود در بهداشت و علوم پزشکی جای می گیرد دستاوردهای جدید علمی باعث ایجاد سوالات جدیدی راجع به اخلاق زیستی و حقوق بشری، به طور خاص در حوزه مهندسی ژنتیک و در مورد پیوند اعضا و بافت ایجاد کرده است. سوال هایی در مورد طبیعت زندگی که در نتیجه پیشرفت های تکنولوژی مورد دستکاری واقع شده است. شورای اروپا به برخی از این چالش ها با معاهدات جهانی جدیدی پاسخ داده است: کنوانسیون سال ۱۹۹۹ برای حفاظت از حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان در موارد اعمال بیولوژی و پزشکی است که کنوانسیون اویدو نام داد، این کنوانسیون توسط سی کشور شورای اروپایی امضا شد و مورد تصویب ده کشور قرار گرفت. این کنوانسیون راهنمایی برای برخی مسائل مشکل ساز است (سیدکس^۱، ۲۰۱۷).

الف) هرگونه تبعیض در مقابل افراد در مورد میراث ژنتیکی آنها ممنوع است.

ب) منع آزمایشات ژنتیکی مگر به منظور حفظ سلامت و نجات جان فرد، برای مثال به منظور تعیین مشخصه های فیزیکی برای ارتقای نسل های بعدی کودکان.

^۱ Cedex



ج) اکتشافات به هدف تغییر ژنوم انسانی فقط باید به منظور تشخیص و درمان بیماری‌ها باشد.

د) تولد نوزاد در محیط آزمایشگاهی ممنوع است.

ه) برداشت اعضای یک فرد سالم برای پیوند فقط به هدف درمانی و رعایت منفعت دریافت کننده امکان پذیر است.

در واقع خطرات ناشی از پیشرفت بشری در علوم و تکنولوژی جدید است که ضرورت وجود نسل جدید را ایجاب و تقویت می کند و گسترش می دهد. مطالعه درباره ژنوم انسانی، دستکاری ژنتیکی، لقاح آزمایشگاهی، آزمایشات با جنین انسان، مرگ آسان و علم اصلاح نژاد، فعالیت‌هایی هستند که می تواند مسایل بغرنج حقوقی، اخلاقی و معنوی را ایجاد نماید، به همین دلیل افکار عمومی کشورها را به سروکار داشتن با مقررات این مسائل هدایت می کند (واسیل^۱، ۲۰۰۹).

کرامت انسانی، نه تنها بر دو ارزش برابری و آزادی در تثلیث ارزش‌های بنیادین دموکراتیک، بلکه بر شیوه ای که در آن حقوق در قانون اسناد حقوقی تفسیر شده است نیز تأثیر می گذارد. شاید مهم ترین سوالاتی که در این زمینه وجود دارد این است که: حفاظت از کرامت انسانی در عصر تکنولوژی چگونه امکان پذیر است؟ چگونه می توان کرامت انسانی را در عصر کامپیوتر و یا با توجه به پتانسیل چشمگیر فناوری زن مدرن، لقاح آزمایشگاهی و یا سایر پیشرفت های فنی و علمی محافظت نمود؟ فناوری‌هایی که شناخت از کرامت انسانی را از طریق تأثیر خود بر بدن انسان تخریب می کنند چه عواملی هستند؟

ویرامنتری بر این باور است که تحقیق درباره بدن انسان برای اهداف درمانی و پیشگیری همیشه باید به پیش برود و ادامه داشته باشد. با این حال، او هشدار می دهد که با کسب دانش بیشتر، امکان استفاده از این دانش برای استفاده از مقاصد غیراخلاقی و یا اهداف ارزشمند اخلاقی قابل بحث است. بنابراین وی می گوید: «برای اطمینان از اینکه پیشرفت جدید در تکنولوژی پزشکی در دستورالعمل های اخلاقی نگهداری می شود، مراقبت همیشگی مورد نیاز است». فهرست جامع قدرت علمی که ویرامنتری فهرست نموده است، شامل وارد زیر می باشد: آزمایش جنین، آزمایش انسان، پیوند جنینی، باروری لقاح مصنوعی، کشت جنین، بانک های اسپرم و تخمک، پرورش انتخابی، ساختار ژنتیکی انسان، انتخاب جنس، پیوند عضو، مهندسی آنزیم، فروش بافت های انسانی، تکنیک های مرگ آسان، مجتمع کامپیوتری و بانک اطلاعاتی نقض حریم خصوصی.

^۱ Vasile



۴- مبانی شناسایی نسل سوم حقوق بشر در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه ای به حقوق بشر نسل اول، دوم و سوم داشته و بسیاری از آنها را در فصل حقوق ملت گنجانده است. فصل کلیات و فصل اقتصاد و امور مالی نیز، بساری از این حقوق را اغلب با ادبیاتی غیر از ادبیات حاکم بر دو نسل در سطح بین المللی، در قالب تکالیفی برای دولت، در خود جای داده است (اسماعیلی و امینی پژوه، ۱۳۹۵: ۷۰).

قانون اساسی در اصول متعدد از جمله فصل سوم (اصول ۱۹ الی ۴۲) و پاره ای از اصول دیگر، جایگاه ویژه ای برای انواع حقوق بشر نظیر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم قائل شده و ضمن اشاره به کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در پیشگاه خدا به عنوان یکی از پایه های نظام در اصل ۲ و در اصل ۹ نیز آزادی را یکی از محورهای اصلی و غیر قابل سلب نظام سیاسی کشور معرفی نموده است. مهم ترین حق های شناخته شده از این قرارداد: لزوم تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی توسط دولت (بند ۷ اصل ۳)، تضمین امنیت عمومی شامل حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص (اصل ۲۲)، داشتن مسکن متناسب با نیاز (اصل ۳۱)، امنیت قضایی و تضمین اصل برائت (اصل ۳۷)، منع بازداشت غیرقانونی (اصل ۳۲)، محاکمه ی عادلانه با حق انتخاب وکیل (اصل ۳۵)، علنی بودن محاکم (اصل ۱۶۵)، قانونی بودن جرائم و مجازات ها (اصول ۳۶ و ۱۶۹)، امنیت متهمین و محکومین (اصول ۳۸ و ۳۹)، منع شکنجه (اصل ۳۸) و ممنوعیت تفتیش عقاید (اصل ۲۳)، آزادی های عقیده (اصل ۲۳)، بیان و اطلاعات (اصل ۲۴)، احزاب و تشکل (اصل ۲۶)، و اجتماعات (اصل ۲۷). اصل ۴۶ قانون اساسی. حقوق و آزادی های افراد در ادره کشور و اشتغال به مشاغل عمومی (اصول ۶، ۷، ۵۶، ۶۲، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۴ و ...)، حقوق اقتصادی و اجتماعی از جمله حق اشتغال و آزادی کار (اصل ۲۸)، منع کار اجباری (بند ۴ اصل ۴۳)، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده (اصول ۳۰ و ۴۳). حقوق اقشار خاص از جمله زنان و کودکان در تمام جهان (اصل ۲۱)، اقلیت ها (اصول ۱۲ الی ۱۴)، حق برابر اقوام و قبایل (اصل ۱۹) و پناهندگان (اصل ۱۵۵).

۴-۱- حق بر تعیین سرنوشت

یکی از اصول اساسی و پایه حقوق بین الملل، اصل حق تعیین سرنوشت است که براساس آن تمام افراد و دولت ها می توانند امور خویش را در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اداره و راهبری نمایند. امروزه دامنه مفهومی این حق به خاطر توجه روزافزون به مسئله دموکراسی و حقوق بشر و مسائل دیگر غنی



تر شده و استحکام بیشتری یافته و تجاوز و تخطی از آن مسئولیت بین المللی دولت ها را مطرح می کند. یکی از جمله سوالات مطرح در حقوق اسلام این است که آیا در دیدگاه اسلام، انسان در تعیین سرنوشت خود حق دارد یا اینکه سرنوشت او از قبل مشخص شده است؟ اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی در این زمینه بیان می کند: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب نماید یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد». این اصل بیانگر آن است که در اسلام حاکمیت از آن خداست لیکن «خلافت انسان و حق او در تعیین سرنوشتش اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می تواند زمینه را برای حاکمیت اسلامی فراهم نماید. بنابراین، اسلام با روش خاص خود این اصل را به رسمیت شناخته است. در دین اسلام، حق حاکمیت متعلق به خداست، لکن براساس سنت لایتغیر الهی خداوند شئون و مقدرات آن را به انسان ها سپرده است، و انسان به نیابت از او از چنین حقی برخوردار شده است. اما کیفیت و نحوه بهره برداری از این حق باید با اجازه و رضایت خداوند و به نحوی باشد که او تعیین کرده است. انسان در این دیدگاه در طول اراده الهی و با اذن او، بر سرنوشت خود حاکمیت دارد. این موضوع در اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این صورت بیان شده که هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب نماید یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد» (شیرانی و توسلی نائینی، ۱۳۹۵: ۶۹). می توان گفت براساس دیدگاه دین اسلام به این موضوع و توجه به آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز برگرفته از همین شرع اسلامی است، اصل آزادی اراده و اختیار انسان و همچنین مسئولیتی که در پی آزادی انتخاب های خود و آزادی اراده خویش در انجام دادن یا انجام ندادن عملی دارد، تا حدودی در برگیرندهی معنا و مفهوم حق انسان بر تعیین سرنوشت خود است اما از طرفی دیگر این مفهوم با آنچه از حق بر تعیین سرنوشت در قالب حقوق نسل سوم بشری در فضای بین المللی مطرح است دارای تفاوت های مفهومی می باشد. بیشترین تمرکز و شمول این حق نسل سومی در جامعه جهانی مبتنی بر مناطقی است که مستعمره بوده یا هستند و قصد هویت یابی و کسب استقلال دارند. بنابراین شاید بتوان با اندکی اغماض، اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی را نزدیک به معنای حق بر تعیین سرنوشت در قال حقوق همبستگی دانست.

۲-۴- حق بر صلح

صلح و امنیت بین المللی شرطی اساسی برای برخورداری از حقوق بشر، و از همه مهم تر حق حیات می



باشد. در واقع حق بشر در برخورداری از صلح، امنیت و عدم تعارض حقی بنیادین در چارچوب تحقق تمامی حقوق بشر قرار می‌گیرد. جنگ و خشونت منجر به انکار سیستماتیک حقوق مدنی و سیاسی، و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود، از آن جایی که در صورت وقوع جنگ و تعرض مسلحانه، درصد قابل توجهی از منابع مالی موجود برای تهیه تسلیحات و تدارک جنگ صرف می‌شوند. همچنین می‌توان گفت صلح پایدار زمانی حاصل خواهد شد که حقوق بنیادین بشر تحقق یابند (پورسعید و طلایی، ۱۳۹۲: ۹۸).

با توجه به اینکه حق بشر بر صلح ماوراء ممنوعیت محض جنگ و ماوراء خلع سلاح است؛ صلح فقط منع کاربرد زور نیست. صلح همچنین متضمن ارتقاء شرایط عدالت اجتماعی، تحقق حق به توسعه یا دستیابی به ضرورت‌های زندگی از جمله آب سالم و محیط زیست سالم می‌باشد. از سوی دیگر صلح و کرامت بشر دو روی یک سکه می‌باشند. بدین معنا که نمی‌توان شاهد تحقق حق بر صلح بود مگر آنکه قبلاً کرامت بشری به رسمیت شناخته شده باشد (امینی نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

با این استدلال که حق بر صلح در حقوق بشر نسل سوم بر مبنای کرامت انسانی استوار است «بنابراین انسان‌ها به این دلیل صاحب حق می‌شوند که دارای کرامت ذاتی هستند». این نوع کرامت یکی دیگر از نقاط مشترک دو نظام حقوقی بین‌المللی و جمهوری اسلامی است؛ زیرا از دید هر دو نظام این کرامت «در تمام انسان‌ها به طور مساوی وجود دارد»؛ ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر مبنای خرد انسانی تدوین شده، بر حفظ کرامت انسانی تأکید نموده است، همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مانند ماده ۱ و بند ۲ از ماده ۲۹ اعلامیه، با توجه به رویکرد درون دینی خود، از یک سو انسان را دارای حرمت و کرامت و صاحب حق می‌شناسد و از سوی دیگر، تعدادی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به طور خاص برشمرده و برای رعایت آن تضمین‌های لازم را پیش‌بینی کرده است. این در حالی است که حقوق بین‌الملل بشر رویکرد برون دینی را «یک توجیهی برای حق‌های بشری می‌داند»، یعنی انسان را صاحب حق می‌داند و چون صاحب حق است، او را دارای حرمت و کرامت می‌شناسد. به تعبیر دیگر یک ارزش والایی است که به طور برابر به همه انسان‌ها تعلق دارد و لازمه وجودی ماهیت انسان است. با این وجود باز بین این دو نظام از لحاظ منابع و مبانی اختلافاتی وجود دارد که به نوبه خود در تساوی حقوق و بهره‌مندی از آن مؤثر است (نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

اما شاید بتوان فصل دهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی را که شامل سیاست خارجی نظام می‌شود



دارای اصولی دانست که امکان مطابقت معنایی میان آنها و حق به صلح در قالب حقوق همبستگی وجود داشته باشد؛ به طور مشخص می‌توان به اصل ۱۵۲ قانون اساسی اشاره نمود که در متن آن چنین آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».

۳-۴- حق بر توسعه

حق بر توسعه در قالب حقوق بشر مدرن و با تلاش ویژه کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، شکل گرفته است. حقی که بر مبنای نگرانی ها و دغدغه های حقوق دانان توسعه خواه جهان سوم و در کشاکش برخوردها و اختلاف نظرهای اساسی لیبرالیست های غربی و سوسیالیست های شرقی، که هریک به دنبال حقوقی ویژه بودند، نضج گرفته و به مثابه یک حق در کنار دو قطب غالب و به عنوان مکمل حقوق موجود و یا حتی فراتر از آنها سر برآورده است. با این وجود، به رغم اینکه حق بر توسعه در چارچوب نسل سوم حقوق بشر مطرح بوده و دارای ویژگی های مشترک با حقوق مندرج در این نسل می باشد. توسعه به معنای برنامه ریزی برای زندگی بهتر با وضعیت مادی عالی، به لحاظ سازمانی بسیار پیشرفته و به لحاظ تکنولوژی بسیار قوی می باشد (رضایی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰). حق بر توسعه اشاره به فرایندی چند وجهی اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد که در جهت بهبود و ثبات زندگی و بالا بردن کیفیت آن برای تمام مردم گام بر می دارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مبنای دین اسلام که هدف خود را استقرار نظام عدل و رفع تبعیض و ظلم نسبت به همه بشریت اعلام می کند، می خواهد تضمین کننده رفع هرگونه استبداد فکری، اجتماعی و انحصار اقتصادی باشد و براساس این جهت گیری مدعی است که زمینه مشارکت مردم را در تمام مراحل تصمیم گیری سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می کند (نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۸۷). در قانون اساسی بسیاری از حقوق مذکور در فصل حقوق ملت، گنجانده شده است. فصل کلیات و فصل اقتصاد و امور مالی نیز، بسیاری از این حقوق را در قالب تکالیفی برای دولت؛ در خود جای داده است. اصل ۲۰، همه افراد ملت را اعم از زن و مرد، برخوردار از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانسته است. بند ۷ اصل ۳ نیز تأمین آزادی های اجتماعی را از وظایف دولت برشمرده است. مصادیق این حقوق در قانون اساسی شامل



ازادی اصناف (اصل ۲۶)، فراهم نمودن شرایط اشتغال به کار (اصل ۲۸)، حق برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)، حق بر آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰)، و حق بر مسکن متناسب با نیاز (اصل ۳۱) است که در فصل سوم آن بیان شده‌اند. اصل ۳ نیز مواردی چون افزایش آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، تسهیل و تعمیم آموزش عالی، ایجاد امکانات عادلانه برای همه و ایجاد رفاه و رفع فقر. برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه را از وظایف دولت دانسته که به دلالت التزامی، مقید وجود حق‌هایی برای شهروندان است. در اصل ۴۳ نیز ریشه کن نمودن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار برای تمام کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل و ابزار کار ندارند و تنظیم برنامه اقتصادی کشور از حیث تنظیم شکل، محتوا و ساعات کار از جمله موارد دیگر مرتبط با این حقوق است (اسماعیلی و امینی پژوه، ۱۳۹۵: ۷۰). با توجه به اصولی که از قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شد و می‌توانند در برگیرنده مفهوم اقتصادی و اجتماعی حق بر توسعه تلقی گردند، از این نظر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های لازم جهت تحقق این حق در نظام حقوقی کشور وجود دارد.

۴-۴- حق به محیط زیست سالم

سلامت محیط زیست به عنوان حق فردی و اجتماعی، یکی از جمله حق‌های مطرح شده در نسل سوم حقوق بشر است. مطرح نمودن این حق ناشی از افزایش آگاهی مردم نسبت به تهدیدات فراروی محیط زیست و آسیب‌پذیری بشریت در برابر صدمات ناشی از تخریب محیط زیست می‌باشد (فالوکس^۱، ۲۰۱۳). با توجه به به وجود آمدن شرایط ناشی از تهدیدات زیست محیطی، توجه به حق به محیط زیست سالم از منظر حقوق بشری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین مفهوم حمایت از حقوق بشر باید به حق برخورداری شهروندان از محیط زیست پاک، عاری از هرگونه آلودگی و نیز حق برخورداری از هوای پاک بسط داده شود. در عین حال پیشرفت حقوق بشر به عنوان حمایت از شهروندان در برابر خطرات آلودگی و در دسترس بودن هوای پاک و تضمین هوای پاک باید در نظر گرفته شود (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۲).

محیط زیست سالم، یکی از چالش‌های اساسی کشور ایران محسوب می‌گردد، شواهد موجود درباره

^۱ Faulks



مسائل مختلف اعم از مسائل آلودگی هوا، خشک شدن دریاچه ها، ریزگردها و ... حاکی از آن است که از منظر حقوق بشر نسل کنونی از این وضعیت محیط زیست متضرر می شوند. به طور نمونه در چند سال اخیر، وجود ریزگردها باعث آلودگی شدید در اتمسفر مربوط به ایران شده و زندگی را برای مردم طاقت فرسا نموده است (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۸۴). همچنین مشکلات دیگری را نیز می توان به فهرست مربوط به آلودگی محیط زیست، اضافه نمود که هر مورد تهدیدی برای سلامت زیست محیطی شهروندان ایرانی محسوب می گردند.

با درک مشکلات مربوط به محیط زیست در جامعه ایران می توان گفت راه کارهای متعددی وجود دارد که از منظر حقوق بشری می توان به نحو مطلوبی مورد توجه قرار داد (رمضانی قوام ابادی، ۱۳۹۲: ۹۸). بر همین اساس، تبیین ابعاد حقوق بشری و ضرورت پیوند آن با مشکلات زیست محیطی و تأمین سلامت محیط زیست یکی از مهم ترین اقداماتی است که می توان از آن نام برد. این رویکرد با رجوع به قوانین داخلی بخصوص قانون اساسی قابل حصول است.

اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضعیت حمایت از محیط زیست را مطرح می کند. این اصل بیان می دارد: جمهوری اسلامی ایران حمایت از محیط زیست که میراث نسل حاضر و نسل های آتی است، به عنوان یک وظیفه عمومی لحاظ می گردد. بنابراین فعالیت های اقتصادی و غیر اقتصادی که در معرض آلودگی یا فساد زیست محیطی قرار دارند ممنوع است.

به نظر می رسد این اصل بسیاری از مسائل حقوقی را شامل می گردد. این اصل، حمایت از محیط زیست، پیوند میان پیشرفت اقتصادی و محیط زیست را پیش بینی می کند و نیز به نحو ضمنی حق برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می شناسد (فرانک، ۲۰۰۷). با توجه به اصل ۵۰ قانون اساسی و زمینه سازی برای بهبود و ارتقای سلامت محیط زیست باید گفت آنچه در اصل مزبور دیده می شود، جنبه حفاظتی و حراست از محیط زیست می باشد و کمتر به عنوان حقی مسلم برای شهروندان ایرانی مورد توجه قرار گرفته است و بنابراین گذر از رویکرد سلبی و قدم نهادن در رویه های حقوقی که سلامت محیط زیست را به عنوان یک حق مسلم نشان دهد، امری بایسته است (فرهادی، ۱۳۸۱).

۵-۴- حق بر میراث مشترک بشریت

امروزه با ظهور مشکلات و مسائل اکولوژیکی، مطالبات مالی و فنی کشورهای جهان سوم، قوی تر از



محتویات نظم نوین اقتصادی بین المللی دهه ۱۹۷۰ میلادی است. در این زمان، مشخص است که بر خلاف منابع موجود در اعماق دریا یا فضا، منابع طبیعی حیاتی زیست محیطی مانند جنگل های مناطق حاره ای، در قلمرو ملی واقع گردیده و زیر پرچم حمایتی حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی قرار دارند. درک این حقیقت که تمامی کشورها از نظر زیست محیطی به هم وابسته هستند، حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی را بیشتر به چالش کشیده است. این چالش از ریشه های عقلانی پدیده میراث مشترک ناشی می شود. بدین معنا که بشریت نسبت به برخی منابع «مانند تنوع زیستی» یا فعالیت ها «مانند انتشار گازهای گلخانه ای» که در محدوده حاکمیت دولت واقع هستند، نگرانی مشترک دارد. حاکمیت، بزرگ ترین مانع در راه پیشرفت مفهوم میراث مشترک بشریت است. سیاست دولت ها بر اساس حداکثر منافع ملی اتخاذ می گردد. به لحاظ اقتصادی، اکثر کشورهای توسعه یافته، تمایلی به پذیرش شرایط مربوط به این مفهوم، که مغایر با منافع اقتصادی آنهاست، ندارند. به لحاظ زیست محیطی، کشورهای جهان سوم، این مفهوم را به عنوان مانعی در راه حق بر توسعه خود می دانند. در واقع تمامی آنها در جهت منافع ملی احتمالی خود عمل می کنند. در حقیقت اصل حاکمیت، مفهوم خود را در بسیاری از جهات از دست داده است (جمالی، ۱۳۸۹: ۷۶).

در ایران با وجود اصلی مشخص در قانون اساسی «اصل ۵۰» روند فعلی حفاظت عمومی از محیط زیست به شکلی است که بسیاری از منابع طبیعی با مخاطرات جدی و حتی انقراض رو به رو هستند. در این زمینه می توان از تالاب ها یاد نمود که یک جنبه بسیار مهم از اکوسیستم های زمین هستند و حفاظت از آنها امکان بهره برداری معقول و پایدار از آنها را فراهم می آورد. در طول یک قرن گذشته بیش از نیمی از تالاب ها در سراسر جهان از میان رفته اند، در حالی که وجود تالاب ها نقش عمده ای در بهبود و غنای چرخه زیستی موجودات زنده پیرامون خود و زندگی جوامع انسانی محلی داشته است، در مقابل خشکی آنها منجر به افزایش شوره زار و کاهش کیفیت زیستی موجودات زنده می شود. این منابع طبیعی به واسطه ارائه کالاها و خدمات مستقیم و غیرمستقیم به جامعه بشری و نیز به عنوان یک دارایی بسیار حائز اهمیت است (باربیر و همکاران، ۱۹۹۷: ۱۷). اهمیت تالاب ها در تنظیم چرخه زیستی موجودات زنده سبب تبدیل آنها به یکی از مصداق های بارز حق بر میراث مشترک بشریت می شود که نابودی و تخریب آنها پیامدهای منفی و زیانباری برای تمام انسان ها در پی خواهد داشت.

نظام حقوقی ایران تاکنون نتوانسته به روشی مطلوب به وضع قوانین یکپارچه در خصوص حفاظت و بهره



برداری از تالاب ها پردازد و یا نیاز آبی آنها را به نحو مؤثری تعیین نماید و از این رو با بحران های متعددی در این خصوص مواجه است.

۶-۴- حق بر ارتباطات

برخی این حق را به عنوان مصداقی از نسل چهارم حقوق بشر تعبیر نموده اند و در کنار حقوقی مانند آزادی بیان و اطلاعات و رسانه ها مطرح می کنند. کارشناسان اذعان دارند بر اینکه امروزه تحقق حقوق مهمی چون حق به حیات یا حق به تعیین سرنوشت بدون برخورداری از حق به ارتباطات به طور کامل میسر نیست. این حق در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به طور ضمنی مدنظر قرار گرفته است. اما شرایط این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی چگونه است و چه اصولی از قانون اساسی می تواند بیانگر توجه قانون گذار اساسی به تحقق این حق باشد؟ شناسایی و تضمین حق مزبور با گسترش سریع شبکه های اجتماعی به یکی از مهم ترین مصادیق تحقق حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران تبدیل شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی به حق دسترسی آزاد به اطلاعات تصریح نشده است. اما با تفسیر موسع اصل ۲۵ قانون اساسی، همین طور اصل ۸ این قانون، شاید بتوان تا حدی حق دسترسی به اطلاعات را تضمین کرد. بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی به تکلیف دولت جمهوری اسلامی نسبت به بالا بردن سطح آگاهی های عمومی، اصل ۶۸ به علنی بودن رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه های دادگستری و اصل ۶۹ به علنی بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی اشاره دارد. اصل ۲۰ قانون اساسی؛ همه افراد ملت را بهره مند از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام می داند و از آنجا که حق دسترسی آزاد به اطلاعات در ذیل هر کدام از این حقوق قابل تفسیر و تأویل است، می تواند در حدود قانون اساسی و شریعت اسلام مورد حمایت قرار گیرد. همچنین اصل ۲۵ عدم مخابره و نرسانیدن مصادیقی از اطلاعات را مگر به حکم قانون منع شده است. از این رو این اصل قانون اساسی نیز به طور ضمنی اشاره به آزادی اطلاعات دارد. اصل ۹ درباره حفظ آزادی و استقلال شهروندان است که فحوای آن حق دسترسی آزاد به اطلاعات را تأیید می کنند. «... هیچ مقامی حق ندارد به نام استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند». در نهایت اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی، اشاره صریحی به آزادی اطلاعات ندارد و اصل ۲۴ هم که به طور ضمنی این موضوع را در بر می گیرد، «معطوف به آزادی مطبوعات و آزادی بیان در صدا و سیما، با دو قید عدم «مخل به مبانی



اسلام» و «مخل حقوق عمومی» است و در آن تأکیدی بر ملزومات این امر یعنی جستجو، جمع آوری، انتقال، انتشار و دریافت آزادانه اخبار و عقاید صورت نگرفته است. توجه به این کاستی از آن جهت ضروری است که بسیاری از نهادهای بین المللی و کشورها به رسمیت شناختن آزادی بیان را در قوانین اساسی خود، دلالتی آشکار در به رسمیت شناختن آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات دانسته اند. با تأسف، به جای استنباطی چنین، در ایران بیشتر به فراز دوم این دو اصل پرداخته شده و به تفسیرهای محدود کننده از این اصل توجه شده است» (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۰).

۷-۴- حق برابری نسل ها

امروزه در برخی متون تخصصی گفته شده؛ در راستای رسیدن به حق مورد اشاره وجود شفافیت اقتصادی و اجتماعی در تمامی کشورها دارای اهمیت بسیاری است. به عنوان یکی از سازوکارهای نظارتی بین المللی، سازمان شفافیت جهانی در این زمینه سالانه میزان فساد یا سالم بودن سازوکارهای داخلی کشورها را در گزارش های خود منعکس می کند. شفافیت عملکردها نشان دهنده توجه کشورها به این حق است. براساس گزارشات این سازمان فراملی، ایران در رتبه ۱۶۸ از ۱۸۰ کشور قرار دارد که به هر حال نازل به نظر می رسد گرچه همان گونه که برخی کارشناسان گفته اند گزارش های این سازمان به دلیل عدم وجود معیارهای واحد و عدم دسترسی مناسب به داده های همه کشورها، آن چنان دقیق نمی تواند باشد اما لازم است در زمینه شفاف سازی اقتصادی و اجتماعی که ملاک های عمده در ارزیابی اجرای حق برابری نسلی هستند ملاحظات بیشتری انجام شود (کار گروه حقوق همبستگی، ۱۳۸۸: ۲).

وجود شفافیت اقتصادی و اجتماعی باعث روشن بودن افق دید مردم در سرمایه گذاری ها و برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی برای خود و نسل های پس از خود می شود و در واقع از این جنبه است که شفافیت اقتصادی و اجتماعی را مصداق حق برابری نسل ها در نظر گرفته اند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۶). مشارکت شهروندان در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، وجود شفافیت و پاسخگویی دولت در برابر مردم، حکمرانی خوب، حقوق شهروندی و حقوق بشر را می توان در یک چرخه در نظر گرفت که تحقق یا عدم تحقق یکی بر تحقق یا عدم تحقق دیگری نیز تأثیر می گذارد.

وضع قوانین شفاف و بدون ابهام از لوازم حکومت مطلوب و از آثار حاکمیت قانون است. لزوم وضع چنین قوانینی ذیل عنوان اصل شفافیت قانون یکی از عناصر مهم «اصل کیفیت قانون» می باشد؛ اصلی پساقانونمندی



که برگرفته از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در طول سالیان متمادی بوده و تضمین کننده هرچه بیشتر حقوق تابعان قانون در مقابل کنشگران عرصه تقنین است. «اصل شفافیت قانون» با وجود تأکیدات دیوان اروپایی حقوق بشر و برخی از کشورها و تأثیر مستقیم آن بر قلمرو تحدید آزادی‌ها، در کشور ایران امری مغفول می باشد که خود ناشی از ناشناخته بودن اصل کیفیت قانون در سطح داخلی است. سکوت قانون اساسی در تضمین این اصل، راه را بر وضع قوانین کیفری مبهم به دلایل متعدد ماهوی و شکلی باز کرده است. عدم توجه به الزامات ناشی از اصل شفافیت قانون خصوصاً در عرصه قانون گذاری کیفری، نه تنها شهروندان ایران را از تضمینات حقوقی لازم در مقابل وضع مبهم محروم می سازد، بلکه عملاً راه را برای قانونگذار در تعیین و ترسیم راهکار مراجعه به منافع فقهی مستند به اصل ۱۶۷ قانون اساسی به نظر برخی حقوقدانان در جهت رفع ابهام باز نموده است؛ راهکاری که اثر آن نقض غرض بوده و در نهایت چالشی بر ابهام موجود می افزاید (ره‌دارپور و مؤذن زادگان، ۱۳۹۷: ۱۹۳). ضعف ساختاری نظام حقوقی ایران در خصوص اصل شفافیت بیش از هر چیز به قانون اساسی باز می گردد و این کمبود و ضعف ناگزیر به قوانین موضوعه و مجلس قانونگذاری کشور نیز تسری پیدا می کند.

۵- نسل چهارم حقوق بشر در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی تصویب و در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی مورد بازنگری واقع شده است. مهم ترین اصول حاکم بر توسعه علم و فناوری در قانون اساسی عبارتند از:

- ۱- جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا؛ ۲- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه: الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین، ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها، ج- نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند (اصل اوا)

اصل سوم: دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱... ۲- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها... ۳- ... تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛ ۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان...؛ ۱۴- تأمین خودکفایی ... در علوم و فنون و



صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این ها.

۳- دولت موظف است ... وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

۴- برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود...۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور با توجه به اصول مذکور از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین مشخص می گردد که این قانون توسعه علم و فناوری، توسعه آموزش عالی و پژوهش، بالا بردن آگاهی های عمومی و خود کفایی در علوم و فنون را مطرح نموده است. آنچه در توسعه زیست فناوری های پزشکی موضوعیت دارد.

توسعه علوم و فناوری مستلزم وجود زمینه های مناسب است. در زیر برخی از اصول قانون اساسی که تحقق آن ها زمینه های مناسب توسعه مورد نظر را فراهم می کنند بیان می شود:

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او...؛ که از راه: ۱) اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین ... این اصل دینی بودن نظام حاکمیت را مطرح ساخته است.

بنابراین توسعه و فناوری، نیازمند اجتهاد مستمر است. این مسئله، در حوزه زیست فناوری و مهندسی ژنتیک به خصوص در زمینه هایی مانند شبیه سازی بارز است.

۲- هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. در حوزه های نوین علوم و فناوری ها، به خصوص، حوزه هایی مانند زیست فناوری ممکن است دانشمندان و مخترعان، ثبوت حقوقی بیابند که ثبت، رسمیت بخشیدن و ترتیب آثار حقوقی به آن مستلزم ترسیم و تعیین محدودیت ها و شرایطی قانونی به موجب قوانین امری باشد. پیشگیری از تجاوز به منافع عمومی یکی از مبانی اساسی توجیه کننده این گونه محدودیت ها و شرایط است.

۳- برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ... اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می شود... جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خود کفایی برساند و از وابستگی برهاند.



در صورتی می‌توان از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور جلوگیری نمود که در توسعه علوم و فناوری‌ها در سطح جهان پیش‌گام و یا دست‌کم، همگام بود. تأکید بر افزایش تولیدات نیز بدون این پیشگامی و یا همگامی ممکن نیست.

۴- در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد بایستی در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. یکی از محدودیت‌های اساسی موجه در موضوع فناوری‌های جدید از جمله، زیست فناوری محدودیت مورد اقتضاء حفاظت محیط زیست است. با توجه به اصول مذکور مشخص می‌شود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم زمینه‌ها و مقتضیات توسعه علم و فناوری و هم حدود موجه آن مدنظر است؛ و توسعه بیوتکنولوژی پزشکی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید و تأکید می‌باشد.

توسعه علم و فناوری از جمله زیست فناوری در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی نیز مدنظر می‌باشد و در مجموعه این سیاست‌ها توسعه در حوزه زیست فناوری به صورت مبین مطرح شده است؛ از جمله گسترش فناوری‌های ژنتیکی، توسعه علوم و فناوری زیستی، کسب فناوری‌های زیستی. علاوه بر آن، سیاست‌هایی مطرح گردیده است که لازمه تحقق آن‌ها به کارگیری و یا توسعه زیست فناوری است؛ مثل شناسایی و حفاظت ذخایر ژنتیکی گیاهی جانوری، اصلاح گونه‌های گیاهی و حیوانی متناسب با شرایط محیطی ایران. در کل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توسعه علم و فناوری، توسعه آموزش عالی و پژوهش، بالا بردن آگاهی‌های عمومی و خودکفایی در علوم و فنون را مطرح نموده است. در این قانون، همچنین زمینه‌ها و مقتضیات توسعه علم و فناوری و در عین حال، حدود موجه آن مدنظر می‌باشد.

علاوه بر این در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، علاوه بر عبارت‌های صریح ... برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری... وضعیت‌هایی که مقتضی توسعه علم و فناوری می‌باشند نیز ترسیم شده است. از جمله: رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و توسعه کارآمدی. در مجموعه سیاست‌های کلی نظام، ضمن مدنظر بودن توسعه علم و فناوری، توسعه در حوزه زیست فناوری به صورت مبین نیز مطرح شده است؛ از جمله: گسترش فناوری‌های ژنتیکی و توسعه علوم و فناوری زیستی و این علاوه بر سیاست‌هایی است که لازمه تحقق آن‌ها بکارگیری و یا توسعه زیست فناوری است؛ مانند



شناسایی و حفاظت ذخایر ژنتیکی گیاهی جانوری و اصلاح گونه های گیاهی و حیوانی؛ و به طور کلی نتیجه اینکه: از مجموعه اصول قانون اساسی و چشم انداز و سیاست های کلی نظام، ضرورت کسب توسعه و استفاده از فناوری های زیستی استنباط می شود.

۶- حفظ کرامت انسانی در قانون اساسی با توجه به نسل چهارم حقوق بشر

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۶ از اصل دوم، نظام جمهوری اسلامی ایران را نظامی بر پایه ایمان به اصل «کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» نامیده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وضع اصولی از جمله اصول منع شکنجه (اصل ۳۸)؛ اصل منع هتک حرمت و حیثیت دستگیرشدگان و زندانیان قانونی (اصل ۳۹)، حقوق برابر اقوام و قبایل (اصل ۱۹)؛ رفع تبعیض ناروا (بند ۹ اصل ۳)، منع هتک حیثیت (اصل ۲۲)، منع تبعید یا تغییر اقامت اجباری (اصل ۳۳)، منع دستگیری غیرقانونی (اصل ۳۲) و تصویب قوانین عادی دیگر و وضع مجازات برای افرادی که اصول مذکور را نقش کنند، احترام به حیثیت انسانی را مورد توجه قرار داده است. اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام بیان مبانی و زیرساخت های نظام حکومتی که در اصل اول از آن به عنوان جمهوری اسلامی ایران یاد شده، شش اصل و مبنا و زیرساخت را بیان نموده که اصل و مبنای ششم آن کرامت انسانی می باشد. اصل دوم قانون اساسی بیان داشته: جمهوری اسلامی ایران، نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا. البته مقدمه قانون اساسی نیز در بخش وسایل ارتباط جمعی متعرض کرامت ابناء بشر شده است. رعایت کرامت اسلامی و انسانی به عنوان بخشی از وظایف اخلاقی و قانونی حرفه پزشکی و وابسته در موارد متعددی مورد تصریح قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۵ آمده است که عدم رعایت موازین و شرعی و قانونی و مقررات صنفی و حرفه ای و شغلی و سهل انگاری در انجام وظایف قانونی به وسیله شاغلین پزشکی و وابسته به پزشکی تخلف محسوب می شود. در تبیین کرامت ذاتی انسان در ارتباط با خصیصه انسانی بودن قرارداد درمان این نتیجه حاصل می شود که نظریه عقد غیرمعین، برای ماهیت قرارداد درمان، بهترین نظریه می باشد؛ و یکی از اوصاف مهم قرارداد درمان این است؛ عقد مزبور، عقدی انسانی است. به همین جهت در تفسیر و اجرای مفاد قرارداد درمان بایست کرامت انسانی را ملحوظ قرار داد و انسان بسان یک حیوان بیولوژیک نگاه نکرد و در مراحل درمان و در تفسیر قرارداد مزبور و هنگام بروز اختلاف، کرامت انسانی مطمع نظر قرار داد.



در اسناد حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با توجه به زمینه‌های تاریخی این اسناد، کرامت ذاتی انسان به عنوان مبنای بسیاری از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد انسانی مورد استناد قرار گرفته است. در اسناد متقدم اخلاق زیستی مانند کدهای اخلاقی نورنبورگ، اعلامیه هلسینکی و گزارش بلموت نیز که به منظور حمایت از افراد در برابر خطرات و عوارض ناشی از معالجات یا آزمایشات تدوین شده‌اند، همین رهیافت از کرامت انسانی، موردنظر بوده است. لکن در اسناد متأخر اخلاق زیستی از جمله کنوانسیون حقوق بشر و زیست پزشکی شورای اروپا، اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر یونسکو، مفهوم کرامت ذاتی انسان ابعاد وسیع تری یافته است. در این اسناد، کرامت ذاتی انسان علاوه بر اینکه مبنای لزوم رعایت و حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد در معاینات و تحقیقات علمی تلقی شده در مواردی همچون اصلاح ژنتیکی نژاد انسان، انتخاب جنسیت نوزاد و معامله اجزای بدن که کرامت وجود انسان در معرض لطمه و مخاطره قرار می‌گیرد، به عنوان مبنایی برای محدود ساختن آزادی اراده افراد مورد استناد قرار گرفته است و به نظر می‌رسد در این اسناد به مفهوم اسلامی کرامت انسانی توجه بیشتری شده است. در اسنادی که منع شبیه سازی انسان مطرح شده بنا بر دیدگاه تدوین کنندگان این اسناد، شبیه سازی مولد موجب نقض کرامت انسانی است. بعضی از این جهات ناقض کرامت ذاتی انسان از بعد فردی و برخی دیگر، ناقض کرامت انسان از بعد نوعی و اجتماعی آن است. بنابر اصل کرامت انسانی تمامی جنبه‌های طبی، به خصوص پژوهش‌های انسانی باید در راستای افزایش این کرامت باشند و از ورود به فناوری‌هایی که به این جنبه انسانی لطمه وارد می‌کند بایستی اجتناب کرد (مردانی، ۱۳۹۵).

۷- نتیجه گیری

نسل سوم حقوق بشر که به حقوق همبستگی و جمعی نیز مشهور است دارای حقوقی همچون، حق محیط زیست سالم، حق بر توسعه، حق بر میراث مشترک بشریت، حق بر ارتباطات، حق مشترک مردم بر تعیین سرنوشت خود، حق برابری نسل‌ها و حق بر کمک‌های بشردوستانه می‌باشد.

با بررسی نسل سوم حقوق بشر می‌توان دریافت؛ بسیاری از ویژگی‌های این نسل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل شناسایی است و جایگاه ویژه‌ای برای حقوق بشر در قانون اساسی در نظر گرفته شده است. در تعریف نسل چهارم حقوق بشر می‌توان گفت: نسل چهارم حقوق بشر در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی



طرح شده و هدف آن دفاع و حمایت از حیثیت و کرامت انسان است.

رشد روزافزون علوم مختلف به ویژه زیست فناوری های نوین در علوم پزشکی منجر به امکان استفاده از این علوم در زمینه های مختلف پزشکی گردیده که مباحث اخلاقی و حقوقی گسترده ای را به دنبال داشته است؛ و تمامی شئون زندگی انسان از تولد تا مرگ را دربر می گیرد. زیست فناوری در زمینه های گوناگون زندگی بشر حضور جدی دارد و هر جامعه ای باید مواضع اساسی خود را در مقابل زیست فناوری و مسائل اخلاقی و حقوقی آن مشخص کند پیشرفت در علوم مختلف پزشکی درعین حال که ابزار خدمت به جامعه بشری است دارای عواقب و پیامدهایی نیز بوده است. ازجمله

تعرض به کرامت انسانی که باید حفاظت گردد. علی رغم اصول مصرح در قانون اساسی که بر حفظ کرامت و حیثیت انسانی تأکید می ورزند. در جزئیات امور قوانین داخلی ما پا به پای توسعه علمی جهان رشد نیافته است. شناسایی قانونگذاری تضمین و هدایت و تسهیل و ارائه راهکارهایی حقوقی جهت برون رفت از مشکلات حوزه بیوتکنولوژی ضروری است.

حقوق بیوتکنولوژی پزشکی حقوقی است که باید از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوءاستفاده از علم دفاع کند. بررسی مبانی و بایسته ها و معضلات بیوتکنولوژی پزشکی که می توان آن را نسل چهارم حقوق بشر به شمار آورد از اهمیت ویژه ای برخوردار است و از سوی دیگر با توجه به نقش و جایگاه دولت در تنظیم قواعد و مقررات لازم در حوزه پدیدارهای مختلف، تبیین نحوه مداخله دولت در این حوزه و حدود و ثغور و ضوابط حاکم بر آن از نهایت اهمیت برخوردار است. حفظ ارزش ها و حقوق طبیعی انسان و شأن و کرامت انسانی و لزوم پایبندی به فقه اسلامی قانون اساسی و موضوعه کشور و حقوق بشر پایه و اساس حقوق بیوتکنولوژی پزشکی را تشکیل می دهند. نظام حقوقی ایران، در این عرصه کمبودهایی دارد و با چالش های جدی روبروست.



منابع و مآخذ

- اسماعیلی، محسن؛ امینی پژوه، حسین، (۱۳۹۵)، تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴.
- امینی نیا، عاطفه، (۱۳۸۹)، جایگاه حق بر صلح در منشور ملل متحد با نگاهی به عملکرد شورای امنیت، مجله دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۳.
- بهادری جهرمی، علی؛ حسینی، سیده لطیفه، (۱۳۹۳)، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم حقوق بشر، پژوهشکده شورای نگهبان، دفتر مطاعلات نظام سازی اسلامی.
- پورسعید، فرزانه؛ طلایی، فرهاد، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر متقابل حقوق بشر و صلح بر یکدیگر، مجله حقوق بشر، دوره ۸، شماره ۱ و ۲.
- توسلی نائینی، منوچهر؛ شرانی، فرناز، (۱۳۹۵)، حق تعیین سرنوشت در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۳، شماره ۱.
- جلیلوند، شهاب، (۱۳۹۴)، نسل چهارم حقوق بشر و زمینه های آن در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اولین کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی.
- جمالی، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین الملل، مجله دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۴.
- رضایی نژاد، ایرج، (۱۳۸۷)، تأملی بر مفهوم حق بر توسعه، مجله دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۰.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۲)، حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۳، ص ۹۳-۱۴۰.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۸۱)، بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری به دانش های بومی، نمایه پژوهش، شماره ۱۳-۱۴.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد، (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: انتشارات مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- کارگروه حقوق همبستگی (۱۳۸۸)، آشنایی با حقوق همبستگی در موازین بین المللی، امور تحقیق و



پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران.

مؤذن زادگان، حسنعلی؛ رهدارپور، حامد، (۱۳۹۷)، اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۱، نوروزی، قدرت الله، (۱۳۹۲)، قلمرو انطباق نظام حقوقی ایران با حقوق بین الملل بشر با نگاهی به اراء امام خمینی، پژوهش های متین، سال ۱۵، شماره ۵۹.

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۵)؛ قواعد فقه، بخش مدنی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. موسوی، سید فضل الله، (۱۳۹۱)، سیر تحولات منابع حقوق بین الملل محیط زیست، تهران: نشر میزان. هاشمی، سیدمحمد؛ محسنی، وجیهه؛ جاوید، محمدجواد؛ عباسی، بیژن، (۱۳۹۸)، تحلیل حقوقی نسبت سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۲۱، شماره ۶۲.

Cedex, John, Council of Europe, ۲۰۱۷

Faulks K. Citizenship. Translated by Delforuz MT. Tehran: Publications Kavir; ۲۰۱۳

Frank DJ. World Society, NGOs and Environmental Policy Reform in Asia. International Journal of Comparative Sociology ۲۰۰۷; ۴۸(۴): ۱۷-۳۶.

Vasile, Adrian, The Generations Of Human's Rights, ۲۰۰۹